

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

نویسنده: سپیده
فرستنده: آمادور نویدی
۱۰ اپریل ۲۰۱۹

نظرتان درباره موانع تولید چیست؟ آیا در سال جدید، شاهد رونق تولید خواهیم بود؟

طبقه حاکمه ایران توسط دیده بان خود (تابناک احمدتوکل) برای رفع حل مشکلات لاینحل اقتصادی دست استعدا به سوی خوانندگان دراز کرده است.

طبقات حاکمه ایران مانند «دویچه بانک» بخوبی می‌دانند:

«طلا در مغزکارمندان عادی (در ایران مردم عادی) می باشد فقط باید آن را استخراج کرد»

این مقاله فکر می کنم پر خواننده ترین مقاله در روزنامه های ایران بوده باشد؟

هنوز روز به نصف نرسیده تعداد فقط خوانندگان پاسخ دهنده (کامنت گذار):

غیر قابل انتشار: ۳۰ در انتظار بررسی: ۸۴ انتشار یافته: ۱۷۳

خواننده ای پاسخی گذاشته است:

«...روبه رو کردن تورم ربطی به روابط ایران امریکا ندارد»

بلی آفرینش تورم خیلی هم با امریکا ربط دارد!

این قانون **تورم زا** و مستعمره کن را امریکا از طریق بانک جهانی و مشتقات آن به همه کشورهای **سرسیزده خویش** با تهدید پنتاگونی زورتپان کرده است. به ایران **زورش نرسید حتی با ۸ سال جنگ!** ولی از طریق **افراد بانفوذ** و توانمند اقتصادی دست به این کارزد و موفق شد کلیه قوانین بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی... را به ایران **حقنه** کند. شروع آن همانا خصوصی سازی بود که توسط آقای هاشمی رفسنجانی به مجلس آورده شد و سریعاً آن را به تصویب رسانید.

آقای خمینی بدرستی گفت «**ما سابق کاشی می ساختیم، لوله هنگ می ساختیم، حالا حتی یک ناودان باران هم نمی توانیم بسازیم** و باید از فرنگ بخریم. در آن زمان ایرانیها تحریم بودند و **روی پای خود** ایستادند و کسانی که فقط دوسال ایران نبودند پس از ورود به ایران از **نو آوری** ها در اکثر پهنه های زندگی شوکه می شدند. (من حتی یک باتری چرخ معلولان را نتوانستم با خودم به ایران بیاورم زیرا المانیها آن را از صندلی بیرون کشیدند «تحریم!!»)

زمان مصدق هم نفت را نخریدند! تازمانی که مصدق به امریکا تکیه نکرده بود وضع صنایع، کاسب‌ها و بازار روز به روز بهتر می شد و شاخص های اقتصادی حتی بدون نفت صعودی بودند!

چرا چنین است؟

دلیلش خیلی ساده می باشد.

در نظربگیرید که شما در یک دهکده بزرگ زندگی می کنید که دورتادور آن دریاست و بایکدیگر بزرگ شده و تاریخ خود را ساخته اند، زندگی روزانه در آنجا طبق توانائی مردم و داده های طبیعی رتق و فتق خواهد شد. شرط آنهم وجود انسانهایی است که بخواهند زحمت بکشند و خواب نروند شدن یکشنبه نه برای خود و نه خانواده خود داشته باشند که همیشه پس از هر انقلابی چنین است. زیرا هرچه تولید کنند نعمات زندگی است که در اختیار خود آن ها قرار می گیرد. اکنون با فرضیه صادرات برای واردات... یعنی این که بهترین تولیدات کشاورزی و صنعتی را به خارج صادر کنیم و به جایش بنجل وارد کنیم که خیلی خوانندگان از چین گله داشته اند. بدون این که در نظر بگیرند وقتی نفت می دهی بایستی چیزی در مقابلش هم بگیریم ولی وقتی عضو سازمان تجارت جهانی باشی نه اس سیصد بهت می دهند و نه قراضه های مسافری یونینگ را!!

برای خرید بعضی فرآورده های صنعتی مورد احتیاج جهت تولید ابزار تولیدی مدرن تر که اکنون نداریم اگر صد برابر قیمت هم در بازار سیاه تهیه کنیم باز هم هزاران برابر ارزانتر از بهای کنونی که پرداخت می کنیم می باشد. ما در ایران همه شرایط تولیدی به صورت بهترین ها را در جهان داریم. فرهنگی والا، مردمی هم نوع دوست که در زلزله ها و سیل کنونی در شیراز و کلیه مکان های سیل زده به اثبات رسانیدند. مردمی مبتکر و پویا که حتی ترمپ هم مجبور به اعتراف آن بوده است.

سون یاتسونگ و مائوتسه تونگ و سرمایداران کنونی چین خواب آن را هم در ابتداء نمی دیدند که مردم ایران به این سرعت پله های ترقی تولیدی را تا زمان آقای رفسنجانی ببیمایند. خلاف آن در هندوستان مهات ماگاندی راه غیر فعال و تسلیم را پیش گرفت که نتیجه اش هم اکنون در مقابل چین بر همه روشن است.

در ایران هم (خصوصی سازی و عضویت در بانک جهانی و مشتقات که آقای رفسنجانی آن را سامان دادند، که چیزی جز تسلیم نبوده است)!

بزرگترین دارائی که در همه پهنه ها شکننده است دستان توانای کار است که کارگران و تکنسین ها و برنامه نویس های ایرانی توانائی خود را به اثبات رسانیده اند. ما بهترین مغزهای متفکر را حتی جلوتر از پله تکاملی تولیدی و اجتماعی نه تنها در ایران بلکه می توان مدعی شد که در آسیای پیشرو دارا هستیم. در پهنه های زیادی سوم تا ششمین کشور گیتی هستیم. بنابراین جای هیچ گونه یأس و ناامیدی نیست و تولید را می توانیم بهتر از چین و خیلی سریعتر از آن رونق بخشیم.

اما اما! بدون رنج گنج میسر نمی شود.

باید اطمینان این دو گروه که ارکان اصلی هر شکل تولیدی می باشند را به دست آورد و آنهم با:

اجرای قانون «از کجا آورده ای»! همه خوانندگان بدون استثناء معتقد به ارتشاء رانت خواری و عدم دلسوزی برای دیگران در بخش اقتصادی، وزارتخانه ها، خلاصه کسانی که در این مملکت از نام و آوازه ای برخوردارند می باشند.

این گنج از دست رفته به هیچ وجه بدون کسب اطمینان مجدد مردم برای دست اندرکاران بعدی به دست نمی آید. زیرا مردم در زندگی روزانه خود می بینند که تولید و اقتصاد بشدت در دست بانکها متمرکز شده (اولین شرط عضویت در بانک جهانی) و همیشه با درهای بسته برای تولید برخورد می کنند.

زیرا بانکها فقط تولیدی را تأیید می کنند که یا متعلق به خود باشد یا بانک را قدمی به جلو ببرد تا در ابتداء بهره ۱۵ تا ۲۵ درصدی را بتوانند پرداخت کنند و سپس رضایت بانک جهانی همراه با سودهای نجومی برای خود را هم ایجاد نمایند!

صنایع خودروسازی ایران دارای بانکهای خصوصی متعلق به خود می باشند! و توانسته اند شبکه مافیائی دلان خودرو را سامان دهند. واردات و صادرات خود رو را خود در ایران در دست دارند و می کنند هرچه خواهند، آنهم با سپرده های من و تو!!

آقای پرویز صداقت در شش هفت سال پیش در دانشگاه مقاله ای در باره حباب و سود های نجومی بانکها و سرمایه مالی آن ها بدون کشیدن کوچکترین زحمتی (تولید) نوشت ولی با گوشهای ناشنوا روبه رو گردید.

آقای پروفیسور احمد سیف استاد دانشگاهی در انگلیس در همان زمان در باره ضررهای خصوصی سازی در آموزش و پرورش نگاشت که باز هم با درهای بسته روبه رو گردید.

باید دست ها را بالا زد و شاید به کمک سپاهیان که هنوز به ارتش آلوده نگردیده اند تمام این قدم های غلط را خنثی کرد و به همان شکل پیشا خصوصی سازی و عضویت در بانک جهانی از نو شروع کرد.

مامی توانیم!

ما می توانیم!

آری ما می توانیم به کوری چشم امریکا و انگلیس صغیر شده و اروپای پسرگرا از پس این امر بر آئیم. ما هنوز مهر و پشتیبانی مردم عراق، سوریه و فلسطین، یمن و حتی تازگی ها لیبیا را بر پشت خود داریم که بهترین پادزر علیه استعمار و تحریم حراسی می باشد. (کلیه مردم دنیا که از استعمارگران صدمه دیده اند، پیتسیال طرفدار مردم ایرانند)

به هر صورت بدون قدرتی که همه چیز را از امروز به فردا زیر و رو کند و مانند همان سالهای جنگی، صادقانه تقسیم نعم مادی را دوباره ادامه دهد و تولید و تکامل صنایع مادر که به هیچ وجه برای بخش خصوصی سود آور نیست را دوباره به راه بیندازد؛

هرنوع فرد مشهور و توانای جهانی چه یک پاسپورتی و یا چند پاسپورتی باشد هم که بیاید نمی تواند کوچکترین قدمی در این راه بردارد. دائماً آش همین آش و کاسه همین کاسه می ماند تا این که به کشوری مستعمره حلقه به گوش امپریالیزم امریکا تبدیل گردیم.

من خواندن مقاله و به خصوص نظریات خوانندگان را که اکثراً تیزبین تراز دولت ایران هستند را به همه خوانندگان توصیه می کنم که بسیار آموزنده است.